

ملی کردن را باید گسترش داد

حزب توده ایران، بر اساس برنامه خود، آماده برای تبادل نظر خلاق و همکاری صادقانه با مقامات رسمی و نیروهای انقلابی، بمنظور پی ریزی یک برنامه جامع اقتصادی است



از گان مرکزی حزب توده ایران

تک شماره ۱۵ ریال

به یاد علی علوی



مهندس علی علوی عضو هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران، پس از یورش کودتاچیان ۲۸ مرداد، به جنبش ملی و دمکراتیک ایران، و پیش از همه و بیش از همه به حزب توده ایران، مانند بسیاری دیگر از اعضاء کارها و رهبران حزب دستگیر شد. اعتصاب عظیم کارگران کوره بن‌خانه‌های تهران در ۲۳ خرداد ۱۳۳۸، که برای نخستین بار سکوت ترور پلیسی پس از کودتای ۲۸ مرداد را شکست، رژیم شاه خائن را بوحشت انداخت. رژیم شاه مخلوع در همانسال که وحشیانه ۵۰ تن زن و مرد و کودک را بخاک و خون کشید تا اعتصاب را سرکوب کند، چون این اعتصاب را از چشم حزب توده ایران میدید، برای مرعوب ساختن و انتقام گرفتن، علی علوی را نیز کدر زندان شاه خائن اسیر بود، در ۲۵ خرداد، بدون مقدمه و با شتاب به جوبه اعدام سپرد. رژیم جنایتکار البته نتوانست کارگران قهرمان کوره بن‌خانه را از پا درآورد و حتی مجبور به بق نشینی شد. ولی قربانی‌های خود را در وجود ۵۰ تن زخم‌تکن و در وجود علی علوی گرفت. بدینسان علی علوی جان بر سر آذران زحمتکشان نهاد. یادش گرامی باد!

رسیدگی به وضع سرمایه، دارائی و اموال بانکها، مبالغ هنگفتی پول به صاحبان آنان بپردازد. و این بقعیده ما کاری است نادرست. زیرا بطوریکه خودمقامات دولتی معترفند صاحبان اصلی بانکهای خصوصی عده کمشماری سرمایه‌دار بزرگ داخلی و خارجی هستند که با هزار راه «قانونی» و غیر قانونی در دوران رژیم پهلوی سراسر سلسله دزدان و غارتگران، به غارت درآمد ملی کشور مشغول بوده‌اند و در طرف ۵۰ ساله تنها سرمایه اولیه خود را مستهلک کرده‌اند، بلکه مبالغ هنگفتی سود نا مشروع بدست آورده و همراه با وام‌ها و اعتبارهای دریافتی از دولت، این ثروت‌های بادآورده را از کشور خارج کرده‌اند (خاندان پهلوی به‌تنهایی ۲۲ میلیارد ریال بنام وام و اعتبار از صندوق دولت کلاهبرداری کرده‌اند). پرداخت حتی یک دینار به این قبیل کلاهبرداران حرفه‌ای، که هست و نیست مردم را چاییده و از کشور فرار کرده‌اند (یا موفق به فرار نشده‌اند)، پس نام و عنوانی، بقیه در صفحه ۳

با سرمایه‌های انحصاری خارجی پیوند دارند و هدفی جز به‌غارت بردن و به غارت دادن درآمد ملی دسر نمی‌پرورند، متمرکز شود. ولی همانطور که قبلا در سرمقاله «مردم» (شماره ۲۵) نوشتیم، ملی کردن بانکها فقط نخستین گام در راه احیاء و سالم سازی اقتصاد بحران زده و درهم ریخته کنونی و تأمین پیشرفت آتی آن بود توده مردم است. در این شماره «مردم» به گسترش بیشتر این نظر حزب میپردازیم. ولی در ابتدا سخنی چند درباره چگونگی ملی کردن بانکها. چگونگی ملی کردن می تواند از دوره انجام گیرد: از راه مصادره، یعنی بدون پرداخت هیچگونه وجوبی به صاحبان بانکها (یا موسسه دیگر) و یا از راه پرداخت کامل یا جزئی بهای سهام (بهای اسمی، بهای بازار یا بورس، حتی اضافه پرداخت بابت «عدم النفع» و غیره). از اظهارات مقامات رسمی چنین برمیآید که دولت درصدد مصادره بانکها نیست، بلکه میخواهد پس از

بر خورد ما به شیوه بهتان زنی دشمنان و مخالفان حزب

ما عرصه و شیوه مبارزه را خود انتخاب می کنیم

یک حزب انقلابی، مانند حزب توده ایران، که در مواضع اجتماعی خود دیرزمانی سرختم می‌ایستد، بناچار دشمنان فراوانی دارد. از آنجمله‌اند، طبقات حاکمه، که امتیازات غارتگرانه خود را در اثر پیشرفت آن حزب در خطر می‌بینند و احزاب و مطبوعات و رجال سیاسی تابع این طبقات. از آنجمله‌اند، نیمه رهانی که روی حسابهای خود، چندی

با آن حزب سیاسی بظاهر همکاری می‌شوند ولی مسوول حوادث و دشواریها و فراز و نشیب نبرد، آنها را از گردونه خارج می‌سازد و چهره آنها را بر همه وحشی بر خودشان آشکار می‌کند. این گروه که مردمان و رفیقان نیمه راه و فرصت طلبان نام‌دارند، یا کسانی که بدون پی بردن به سرشت حزب انقلابی، از «ظن خود» یار

پذیرش ایران به جنبش کشورهای غیر متعهد یک گام بسوی استقلال واقعی

کنفرانس هم‌آهنگی کشورهای غیر متعهد، که در کلمبو، پایتخت سری لانکا، برگزار بود، در سومین نشست خود پذیرش چند کشور، از آنجمله ایران را بعنوان عضو رسمی در جنبش کشورهای غیر متعهد مورد بررسی قرار داد. در این کنفرانس با عضویت کشورهای مزبور موافقت گردید و قرار شد که این پیشنهاد برای تصویب نهایی در کنفرانس کشورهای غیر متعهد که بزودی در هاوانا پایتخت کوبا تشکیل خواهد شد مطرح گردد.

رویداد ایران به جنبش کشورهای غیر متعهد اقدامی است مثبت در زمینه سنگینی مشخص صلح‌جویانه و ضد امپریالیستی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی و مسائل مربوط به مسائل مربوط به سیاست جهانی.

خروج ایران از پیمان نظامی سنتو و تصمیم دولت برای لغو قراردادهای تسلیحاتی و انحلال پایگاههای نظامی امریکا در خاک ایران، راه را برای پیوستن ایران به جنبش کشورهای غیر متعهد، هموار نمود. از این پس شرکت فعال ایران در این جنبش میتواند در گسترش فعالیت کشورهای غیر متعهد، که بطور عمده در سمت مبارزه علیه کوششهای استیلاگرانه و نواستعماری امپریالیسم جهانی و بویژه امپریالیسم امریکا و در راه استحکام روابط برابر حقوق، احترام متقابل به حق حاکمیت و پیروی از اصول همزیستی مسالمت‌آمیز در مناسبات میان کشورهاست، موثر و سودمند باشد.

باینکه در جنبش کشورهای غیر متعهد نیروهای ناهمگونی متحد شده‌اند، اما شرکت کنندگان در این جنبش به حل بسیاری از مسائل حیاتی جهان معاصر علاقه‌مندی یکسانی دارند.

در مصوبات چهارمین کنفرانس سران کشورهای غیر متعهد، که در سال ۱۹۷۳ در الجزیره برگزار گردید، تأکید شده است که، یکی از اهداف جنبش کشورهای غیر متعهد مبارزه در راه صلح و امنیت بین‌المللی رعایت اصول همزیستی مسالمت‌آمیز و عدم مداخله در امور کشورهای دیگر است. در اعلامیه سیاسی که در پنجمین کنفرانس (کلمبو ۱۹۷۶)

کشورهای غیر متعهد به تصویب رسید، آمده است که اصول همزیستی مسالمت‌آمیز، که بعنوان مبنای توسعه روابط بین‌المللی اعلام شده، در سراسر جهان بانظر تأیید همگانی استقبال گردید و کشورهای غیر متعهد در روابط خود با همه کشورها از این اصول پیروی میکنند. در این اعلامیه خاطر نشان شده است که جنبش کشورهای غیر متعهد خواستار انحلال گروه‌بندیهای نظامی امپریالیستی هستند و با سیاست نظامیگری، توسعه حضور نظامی و تحمیل مسابقه تسلیحاتی که از جانب امپریالیسم امریکا در مناطق مختلف جهان اعمال میگردد، جدا مخالفند و بخاطر عقیم گذاردن آن مبارزه پیگیر میکنند.

جنبش کشورهای غیر متعهد، به اتفاق کشورهای سوسیالیستی، در راه اتخاذ تدابیر موثری در زمینه خلع سلاح و گسترش روند و خاتم بقیه در صفحه ۴

یاد شهدای توده‌ای ۲۹ خرداد ۳۲ در بابل همواره جاودان و درخشان باد!

۲۶ سال گذشته است. اگر آن سال ۳۲ در بابل صورت نمیکرفت، اکنون حزب ما، نهفت ضد امپریالیسم ایران جنایات خونین شاه و عواملش در ۲۹ خرداد



اسکندر روشن، احمد کیوانلو، علی بابایا حبیبی، احمد صدای حق، حسین مقدوری

خاطره شهدای توده‌ای بابل را گرامی میداریم

بزرگداشت این شهیدان شرکت کنند. مکان گردهم‌آبی: کورستان سینز کریا- جاده قدیم آمل، نرسیده به پل محمدحسن خان زمان گردهم‌آبی: سه‌شنبه ۲۹ خرداد ۱۳۵۸ ساعت ۵ بمدانظیر دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۳۵۸۳۲۴

شهادت این فرزندان دلیر خلق رازیر شعار: مبارزه برای تشکیل جبهه خلق برای پاسداری و گسترش دستاوردهای انقلاب بزرگ مردم ایران، برگزار میکنند. دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران از همه اعضاء، هواداران و دوستداران حزب و از همه عناصر میهن پرست، آزادیخواه و مترقی دعوت میکند که در مراسم

روز ۲۹ خرداد ۱۳۳۲ در یورش دؤخیمان شاه مخلوع به تظاهرات ضد امپریالیستی مردم بابل، پنج تن توده‌ای، رفقا: علی بابایا حبیبی، اسکندر روشن، احمد صدای حق، احمد کیوانلو، حسین مقدوری به شهادت رسیدند. در نخستین بهار آزادی، مردم بابل، بیست و ششمین سالگرد

کتاب گمشده رفیق شهید ستوان محمد رضا منزوی

رفیق شهید ستوان محمد رضامنزوی، که در اسفند سال ۱۳۳۳، دؤخیمان رژیم سابق، زیر شکنجه رشته حیات او رطالع کردند، کتابی دارد تحت عنوان «دبیل‌ماسی امپریالیستی و دبیل‌ماسی شوروی» این کتاب اکنون نایاب است. ما از همه کسانی که نسخه‌ای از این کتاب را در دست دارند، خواهشمندیم آنرا برای تجدید چاپ در اختیار دفتر «مردم» قرار دهند.

باسپاس «مردم»

اطلاع

در شماره ۳۱ مجله تهران مصور، مورخ ۲۵ خرداد ۱۳۵۸، شرحی بعنوان مصاحبه با اینجناب انتشار یافته است. درباره این شرح تذکرات زیرین را لازم میشمارم: (۱) مصاحبه بصورت گفتگو انجام گردیده است و لزوما فاقد دقت کافی در فرمولبندیهاست. (۲) پرسشها و پاسخها به ترتیبی که ارائه شده بوده و در واقع در اکثر موارد پرسشها موثناز و در مواردی هم با چایجا کردن پرسشها و پاسخها عملا مصاحبه تحریف شده است. ایرج اسکندری ۱۳۵۸۳۲۴

قرار داد دو جانبه نظامی ایران و آمریکا باید بدون درنگ لغو شود

رویدادهای ایران

● عناصر نایاب کمیته‌ها مزاحم فروش «مردم» میشوند

گزارش‌گونه یک فروشنده «مردم» با جملات پرده‌پوشانه می‌شود: «این مرتبه، چهارمین مرتبه‌ای است که در کمیته‌ی سالن راه‌آهن با زداشت می‌شوم و مثل سابق با نوبت‌دهی و داد و پاد یکی از افرادی که کمیته، «که هیچ منطقی ندارد و بروبرمی‌شود. وی بدون هیچ‌دل موجهی می‌گوید: «در این محوطه تحت پاسداری من نباید «مردم» بفروشی. فروشنده «مردم» در گزارش خود چنین ادامه می‌دهد:

م مرتبه اول مطالب نشریه «مردم» را بهانه گرفت و می‌گفت: «شما انقلابی است. وقتی پس از مطالعه جزیره آن، هیچ نکته‌ی منفی نتوانست اجازه مرخصی داد، ولی باز تأکید می‌کرد که «در این محوطه نفروش.» مرتبه دوم می‌گفت: «حزب توده ایران منتهی است درسی نیست. وقتی پرسیدم: ... آخر مطابق کدام قانون و از طرف کدام مرجع؛ دلیلش همان حرف‌هایی بود که رژیم سابق می‌گفت.

مرتبه سوم که اعلامیه راه‌پیمائی ضدامپریالیستی حزب توده ایران را داخل سالن نصب می‌کردیم، باز ما را به کمیته برد پس از بحث و گفتگوی طولانی، از ما خواست کادر محوطه تحت پاسداری او (راه‌آهن) اعلامیه نچسباند.

این مرتبه هم باز بدلیل روزنامه فروختن در سالن مارا با زداشت کرد و چون دیگر برای ما نماندند نیافت، صاحب کبویک روزنامه فروشی محوطه راه‌آهن را تحریک کرد، به این بهانه که شما با فروش روزنامه مردم، به حقوق این کبویک روزنامه فروشی تجاوز می‌کنید، در صورتی که روزنامه مردم، در محوطه ندارد، اما وقتی صاحب کبویک پذیرفت، در مواقعی که او روزنامه می‌فروشد، «چه او اجازه فروش بدهد چه ندهد، شما اصلاحات فروش در منطقه تحت پاسداری مرا اندازید و اگر نه خود حسانان را می‌رسد.»

بنظر ما، این سوال بطور جدی مطرح می‌شود: کار تصنیف و تزکیه کمیته‌ها یکجا کشیده، عتداف‌افراد نایاب و عناصر مشکوک را کی خواهد خواست؛ بساط خودم حسانان را می‌رسد؛ کی برچیده خواهد شد؟

● هشداری جدی: افراد مشکوک و ساواکی‌ها آفتابی میشوند

در جریان انقلاب شورائی بنام شورای موسس قانون کار کتان سازمان انرژی اتمی ایران تشکیل شده بود که به امر سازماندهی اعضا بات و برگزاری برنامه‌های سخنرانی می‌پرداخت و کمیته هماهنگی اسطفا با تومسات و سازمان‌های دولتی همکاری میکرد.

پس از قیام مسلحانه بهمن‌ماه، افراد حفاظتی، که ما موریت نگه‌مانی و کنترل حرکت و رفتار افراد را بعهده داشتند و اغلب آنها ماورین آنتاکسارواک در اداره بودند، فرار کردند و این‌شورا در فراق روسا و حفاظت راهبروموم نمودتا اسناد آن بدست افراد مشکوک نیفتند، در حالی که اسناد ماورینموم نمودتا اسناد آن خیر واصله به «مردم» حاکی از آنست که فردی بنام سعید دلیملقانی، از کارکنان سازمان انرژی اتمی که همشکوه به همکاری با ساواک بود، از طرف کمیته امام و بنام کمیته امام (دقیقاً مشخص نیست که از طرف کمیته امام بود، منطقه، با احتمال زیاد منطقه، میدان ولی عصر (میدان ولیعهد سابق) که ساختمان مرکزی سازمان انرژی اتمی در آن منطقه واقع است) همراه با چند نفر مسلح برای گرفتن پرونده‌های اداره حفاظت بنشورا وارد امریجره کرد، این متاع افراد دورا می‌فرستاد و بالاخره با توسل به ارباب و تهدید پرونده‌ها را تحویل گرفت و برد و پس از چند روز آنها را برگشت داد. منتهی این بار اسناد بسیاری اذ داخل این پرونده‌ها خارج شده بودند.

چند روز بعد از این جریان‌ها، از پرونده‌های که در یک محل دیگر بدست آمد، سندی مهمی پیدا شد. این سند نامه محرمانه‌ای بود که این فرد (سعید دلیملقانی)، قبل از برگزاری کنگرانی انرژی اتمی در شیراز، در سال ۱۳۵۰، به رئیس مرکز تحقیقات هسته‌ای، دکتر سید مصطفی طاهرزاده نوشته و خود را مامور ساواک معرفی نموده و برای کنترل افراد شرکت کننده در کنگرانی و محل کنگرانی پیشنهاد تهیه و نصب سیستم نموده بود.

پس از بدست آمدن اسناد این سند، جریان امر به کمیته امام اطلاع داده شد، و مطابق اطلاع‌هایی که تا کنون به‌همارسیده، این شخص از کمیته اخراج شده، ولی در مورد دستگیری وی با جزئیاتی از نامبریده اطلاع در دست نیست، چگونه چند افرادی به کمیته‌ها نفوذ میکنند؟ این فرد مشکوک در دوران رژیم گذشته از کارهای خیلی معمولی و کجا برده و چه اسناد و مدارکی را در یک برگشت کرده نداده‌است؛ بنظر ما، هر چه زودتر باید باین پرسش‌ها دقیقاً توجه شود.

بعلاوه در همین مرکز افراد حفاظتی، که در جریان انقلاب همگی متواری شده بودند و اکثریت قریب یا تمام آنها خود را مخفی کرده بودند، کم‌کم اکنون دوباره آفتابی میشوند و مهم آنکه مجدداً به سر کارهای سابق خود، یعنی حفاظت کنترل افراد بازگشته‌اند (تاکنون چند مورد، نظیر بازرسی کوشهای امین کارمندان و استراق سمع که در دوران رژیم گذشته از کارهای خیلی معمولی این افراد بشمار میرفت، مشاهده شده است)، منتهی با این فرق، که سابقاً مسلح نبودند، ولی اکنون هر کدام یک تفنگ ۳-۲ در دست دارند. روای سابق این افراد حفاظتی هنوز خود را آفتابی نگرفته‌اند.

آیا باید منتظر آفتابی شدن رؤسای سرشناس ساواک شد تا تصمیمی گرفت یا اینکه با بازسازی و برپا افتادن چرخ‌ها، بزعم گردانندگان «آزادخواه» دستگاماداری دولتی، همین شروع مجدد و خزنده ساواکی‌های سابق است؟

دولتی، همین شروع مجدد و خزنده ساواکی‌های سابق است؟

دولتی، همین شروع مجدد و خزنده ساواکی‌های سابق است؟

دولتی، همین شروع مجدد و خزنده ساواکی‌های سابق است؟

دولتی، همین شروع مجدد و خزنده ساواکی‌های سابق است؟

دولتی، همین شروع مجدد و خزنده ساواکی‌های سابق است؟

دولتی، همین شروع مجدد و خزنده ساواکی‌های سابق است؟

دولتی، همین شروع مجدد و خزنده ساواکی‌های سابق است؟

● سرمایه‌داری کلان ازنظر اسلام بطرود است

بسیاری از سازمانها و شخصیت‌های ملی ایران، بدنبال ملی اعلام شدن بانکهای خصوصی ایران، ضمن اظهار خوشحالی از این اقدام بحق، اعلام داشتند که سرمایه و سهام غارتگران و زردانی کدر بانکهای خصوصی لانه کرده‌بودند، نباید پرداخت شود و ضمناً منبایست صنایع وابسته نیز ملی اعلام گردد.

از میان اظهار نظرهای مختلف در این زمینه، آقای دکتر باهنر، از رهبران حزب جمهوری اسلامی، مطالبی را در رابطه با ملی شدن بانکها اعلام داشتند که ما قسمتهائی از آنرا می‌آوریم. وی گفت:

«اصولاً سرمایه‌داری کلان از نظر اسلام بطرود است و اسلام هیچ‌وجه موافق سرمایه‌داریهای کلان و میره-پردازیهای زیاد نیست و صورتی که در بانکها عمل میشود، اصولاً مخالف اسلام است، و به‌ویژه که این بانکها تماماً مومضه فسد مستقیمین و فساد اسلامی داشتند، ضمناً باید توجه داشته باشیم که سرمایه این بانکها توسط عمال وابسته به دربار و سرمایه‌دارهای بین‌المللی تأمین شده، که کلاً از طریق استثمار مردم و غارت اموال آنها بدست آمده بود. مساله ملی کردن بانکها برای ریشه‌کن کردن سرمایه‌های نامفوم و جلوگیری از استثمار و غارت اموال مردم لازم بود البته با اظهار تأسف از اینکه وقتی بانکها را ملی میکنند که قسمت طبیعی از سرمایه‌های آنها توسط سرمایه‌داران بزرگ از کشور خارج شده است و دولت و بانک مرکزی زیر بار قرض و تعهدات سنگین زرتفتند، این وجود این، برای اینکه بیش از این خساراتی به مردم تحمیل نشود، مساله ملی کردن بانکها فوری تشخیص داده شده.»

آقای بنی‌صدر نیز در همین زمینه اعلام داشت که نباید سیستم بهره در بانکهای ایران از بین برود. ملی کردن بانکها و سایر صنایع و دولتی وقتی مفید و قابل قبول است که دولت خودش ملی باشد. منظور سخنان او بدنه دولت است، یعنی: «حزب گزاردیها، روزنامه‌ها و مجلات وابسته به امپریالیسم همچنان فتنه انگیزی میکنند»

آقای بنی‌صدر نیز در همین زمینه اعلام داشت که نباید سیستم بهره در بانکهای ایران از بین برود. ملی کردن بانکها و سایر صنایع و دولتی وقتی مفید و قابل قبول است که دولت خودش ملی باشد. منظور سخنان او بدنه دولت است، یعنی: «حزب گزاردیها، روزنامه‌ها و مجلات وابسته به امپریالیسم همچنان فتنه انگیزی میکنند»

آقای بنی‌صدر نیز در همین زمینه اعلام داشت که نباید سیستم بهره در بانکهای ایران از بین برود. ملی کردن بانکها و سایر صنایع و دولتی وقتی مفید و قابل قبول است که دولت خودش ملی باشد. منظور سخنان او بدنه دولت است، یعنی: «حزب گزاردیها، روزنامه‌ها و مجلات وابسته به امپریالیسم همچنان فتنه انگیزی میکنند»

آقای بنی‌صدر نیز در همین زمینه اعلام داشت که نباید سیستم بهره در بانکهای ایران از بین برود. ملی کردن بانکها و سایر صنایع و دولتی وقتی مفید و قابل قبول است که دولت خودش ملی باشد. منظور سخنان او بدنه دولت است، یعنی: «حزب گزاردیها، روزنامه‌ها و مجلات وابسته به امپریالیسم همچنان فتنه انگیزی میکنند»

آقای بنی‌صدر نیز در همین زمینه اعلام داشت که نباید سیستم بهره در بانکهای ایران از بین برود. ملی کردن بانکها و سایر صنایع و دولتی وقتی مفید و قابل قبول است که دولت خودش ملی باشد. منظور سخنان او بدنه دولت است، یعنی: «حزب گزاردیها، روزنامه‌ها و مجلات وابسته به امپریالیسم همچنان فتنه انگیزی میکنند»

آقای بنی‌صدر نیز در همین زمینه اعلام داشت که نباید سیستم بهره در بانکهای ایران از بین برود. ملی کردن بانکها و سایر صنایع و دولتی وقتی مفید و قابل قبول است که دولت خودش ملی باشد. منظور سخنان او بدنه دولت است، یعنی: «حزب گزاردیها، روزنامه‌ها و مجلات وابسته به امپریالیسم همچنان فتنه انگیزی میکنند»

آقای بنی‌صدر نیز در همین زمینه اعلام داشت که نباید سیستم بهره در بانکهای ایران از بین برود. ملی کردن بانکها و سایر صنایع و دولتی وقتی مفید و قابل قبول است که دولت خودش ملی باشد. منظور سخنان او بدنه دولت است، یعنی: «حزب گزاردیها، روزنامه‌ها و مجلات وابسته به امپریالیسم همچنان فتنه انگیزی میکنند»

آقای بنی‌صدر نیز در همین زمینه اعلام داشت که نباید سیستم بهره در بانکهای ایران از بین برود. ملی کردن بانکها و سایر صنایع و دولتی وقتی مفید و قابل قبول است که دولت خودش ملی باشد. منظور سخنان او بدنه دولت است، یعنی: «حزب گزاردیها، روزنامه‌ها و مجلات وابسته به امپریالیسم همچنان فتنه انگیزی میکنند»

آقای بنی‌صدر نیز در همین زمینه اعلام داشت که نباید سیستم بهره در بانکهای ایران از بین برود. ملی کردن بانکها و سایر صنایع و دولتی وقتی مفید و قابل قبول است که دولت خودش ملی باشد. منظور سخنان او بدنه دولت است، یعنی: «حزب گزاردیها، روزنامه‌ها و مجلات وابسته به امپریالیسم همچنان فتنه انگیزی میکنند»

آقای بنی‌صدر نیز در همین زمینه اعلام داشت که نباید سیستم بهره در بانکهای ایران از بین برود. ملی کردن بانکها و سایر صنایع و دولتی وقتی مفید و قابل قبول است که دولت خودش ملی باشد. منظور سخنان او بدنه دولت است، یعنی: «حزب گزاردیها، روزنامه‌ها و مجلات وابسته به امپریالیسم همچنان فتنه انگیزی میکنند»

آقای بنی‌صدر نیز در همین زمینه اعلام داشت که نباید سیستم بهره در بانکهای ایران از بین برود. ملی کردن بانکها و سایر صنایع و دولتی وقتی مفید و قابل قبول است که دولت خودش ملی باشد. منظور سخنان او بدنه دولت است، یعنی: «حزب گزاردیها، روزنامه‌ها و مجلات وابسته به امپریالیسم همچنان فتنه انگیزی میکنند»

آقای بنی‌صدر نیز در همین زمینه اعلام داشت که نباید سیستم بهره در بانکهای ایران از بین برود. ملی کردن بانکها و سایر صنایع و دولتی وقتی مفید و قابل قبول است که دولت خودش ملی باشد. منظور سخنان او بدنه دولت است، یعنی: «حزب گزاردیها، روزنامه‌ها و مجلات وابسته به امپریالیسم همچنان فتنه انگیزی میکنند»

آقای بنی‌صدر نیز در همین زمینه اعلام داشت که نباید سیستم بهره در بانکهای ایران از بین برود. ملی کردن بانکها و سایر صنایع و دولتی وقتی مفید و قابل قبول است که دولت خودش ملی باشد. منظور سخنان او بدنه دولت است، یعنی: «حزب گزاردیها، روزنامه‌ها و مجلات وابسته به امپریالیسم همچنان فتنه انگیزی میکنند»

اربابان امپریالیست شاه مخلوع هنوز نسبت به نوکر خود وفادارند

حزب کمونیست مکزیک مبتکر اعتراض به اقامت شاه مخلوع در مکزیک

خبر مسافرت شاه مخلوع از باهاما به مکزیک، که چند هفته قبل در مطبوعات انتشار یافت، با موج اعتراض شدیدی از جانب حزب کمونیست مکزیک و همه نیروهای ترقیخواه وضد دیکتاتوری در آن کشور روپرو کردید. حزب کمونیست مکزیک در همان آغاز از نمایندگان حزب کارگران، دانشجویان، روشنفکران و همه اقشار ترقیخواه مکزیک را علیه تصمیم دولت مکزیک مبنی بر اجازه اقامت شاه مخلوع در مکزیک فراخواند و مبتکران تظاهرات تظاهراتی گسترده‌ای شد، و بهمین عطا مسافرت شاه مخلوع به مکزیک نزدیک به دو هفته به تأخیر افتاد و در روز ۲۱ خرداد انجام گرفت.

هنری کسنجر وزیر خارجه پیشین امریکا، دوست دیرینه شاه مخلوع، و دیوید را کفلر رئیس بانک جاس متهانان، دوست نزدیک شاه مخلوع، در این سفر تدارک و فراهم کردن زمینه این مسافرت به دست‌وپا افتادند. با اینکه گفته میشود

که کسنجر از سه ماه قبل به منظور سخنرانی به مکزیک مسافرت نموده، اما بنا به عقیده ما، مطلع، هدف اصلی مسافرت وی به مکزیک جلب موافقت مقامات مکزیک، و بنا نوشته و او شگفتکن است، و ادا کردن مقامات مکزیک به موافقت با مسافرت شاه مخلوع به این کشور بوده‌است. تردیدی نیست که تلاش‌های کسنجر و توصیه‌های را کفلر در این مورد، بدون اطلاع و موافقت مقامات رسمی دولت امریکا رئیس‌جمهوری کلاری انجام گرفته است.

با توجه به مواضع و اظهارات هنری-کسنجر در مورد انقلاب ایران توسط کنونی رژیم خود نتوادر خاندان شاه و موضع سنای امریکانگست به احکم دادگاههای انقلابی در محکومیت جهان و خانگن به مردم ایران، کوششهای تازه کارگران امریکالیسم امریکا برای دست و پا کردن مکان امنی برای شاه مخلوع، شانه‌آهنسکه، امپریالیسم امریکا نسبت بسسه انقلاب

ملی کردن را باید گسترش داد

بقیه از صفحه ۱

در حکم تأیید و قانونی کردن این غارتگری‌ها، به معنای ایجاد کلاه شرعی برای مشروع جلوه دادن درآمدهای ناشروع و بالاخره پشمای دهان کمی به انقلاب مردم زجر کشیده و غارت شده ایران است.

البته در قانون مالاکهای بنام «مشروعیّت» و «مشروطیت» برای تشخیص قانونی بودن مالکیت و به اصطلاح «سلطه» صاحبان بانکها در نظر گرفته شده‌است. وی بی‌درستی معلوم نیست معجزان قانون برای تشخیص خود این «مشروعیّت» و «مشروطیت» چه مالاکها را بکار خواهند برد؛ آیا این غارتگران نیرنگ بازرجرفای برای احراز «مشروعیّت» و «تایید» مشروعیّت، سرمایه‌ها و اموال غارتی خود، روزنامه‌ها و خرفه‌های لازم را باید نخواهند کرد؟

در این اوضاع و احوال بهتر نیست که صاحبان بانکها و خنفا و خنفا باطن، مشارکت و یاری نمایندگان واقعی کار-کنندگان بانکهای خصوصی به حساب این مومسار، سرگردمی کنند و نتایج خراب این مرض افکار عمومی بگذارد؛ (بخصوص که در زیاده اقدام افتخارگرانه کارکنان بانکها در زمان رژیم گذشته تجربه خوبی در دست دارند).

بهر حال ما معتقدیم که دولت باید نسیم این قبیل شیادان را بدون هیچگونه کدشت و افاضتی مسامحه کند، اما در مورد کسانی که دارای سهام ناچیزند (مانند کارمندان، بانکها) و یاسر مایه‌داران کوچک و متوسطی که در سهام فروان ونه نقشی در اداره بانکها داشته‌اند، با آنهم که دولت باید حقوق و منافع آنان را کاملاً حفظ کند و بر حسب تمایل این افراد یاسم آنان را بخرید نماید و با تأیید این سهام به سیزده‌های مدددار، طبق قوانین و مقررات، بهره عادلانه بپردازد.

هدف ملی کردن، ملی کردن بانکها خود بطور گروایی چیزی نیست، فاسل ۱۳۴۸ (زمان تأسیس بانک بازرگانی، اولین بانک خصوصی ایران) بر سر نظر «دوبانک خارجی، بانک‌های ایران تماماً دولتی بودند. ولی این بانک‌ها جز وابسته شدن به امپریالیسم گشاد و بی‌پناهی بازرگانان و کارخانه‌داران و زمینداران بزرگ، که خاندان بنامی در رأس آنها قرارداشتند، کاری نمیتواند.

از این رو است که ملی کردن میتواند هدف‌های کاملاً متفاوت و حتی متضاد را تعقیب کند، ملی کردن میتواند برای

اصل مسئله را ملی اعلام کند همه نیروهای خنثی و روز و شبی عمومی سیاسی تحلیلی هاو چگونگی مبارزه امروزمای برای فرادی کشور و خلفان مطرح باشد. آنها می-توانند این امر را به نفع مردم و کشورند با این قبیل «مشوالات» درباره روابط ریزو جملات گذرا، اساس سبب و منش بزرگ تحول اوضاع و احوال کشور و تحلیل و ویرانه‌ها را زیر پرده‌های آزود، آبهماز گذشته‌های دور و بدون امکان تحقیق و بررسی، پنهان کنن و دلیلهای این وتوین منحرف نمایند. آنها نمیخواهند مسئله

خبر مسافرت شاه مخلوع از باهاما به مکزیک، که چند هفته قبل در مطبوعات انتشار یافت، با موج اعتراض شدیدی از جانب حزب کمونیست مکزیک و همه نیروهای ترقیخواه وضد دیکتاتوری در آن کشور روپرو کردید. حزب کمونیست مکزیک در همان آغاز از نمایندگان حزب کارگران، دانشجویان، روشنفکران و همه اقشار ترقیخواه مکزیک را علیه تصمیم دولت مکزیک مبنی بر اجازه اقامت شاه مخلوع در مکزیک فراخواند و مبتکران تظاهرات تظاهراتی گسترده‌ای شد، و بهمین عطا مسافرت شاه مخلوع به مکزیک نزدیک به دو هفته به تأخیر افتاد و در روز ۲۱ خرداد انجام گرفت.

هنری کسنجر وزیر خارجه پیشین امریکا، دوست دیرینه شاه مخلوع، و دیوید را کفلر رئیس بانک جاس متهانان، دوست نزدیک شاه مخلوع، در این سفر تدارک و فراهم کردن زمینه این مسافرت به دست‌وپا افتادند. با اینکه گفته میشود

که کسنجر از سه ماه قبل به منظور سخنرانی به مکزیک مسافرت نموده، اما بنا به عقیده ما، مطلع، هدف اصلی مسافرت وی به مکزیک جلب موافقت مقامات مکزیک، و بنا نوشته و او شگفتکن است، و ادا کردن مقامات مکزیک به موافقت با مسافرت شاه مخلوع به این کشور بوده‌است. تردیدی نیست که تلاش‌های کسنجر و توصیه‌های را کفلر در این مورد، بدون اطلاع و موافقت مقامات رسمی دولت امریکا رئیس‌جمهوری کلاری انجام گرفته است.

با توجه به مواضع و اظهارات هنری-کسنجر در مورد انقلاب ایران توسط کنونی رژیم خود نتوادر خاندان شاه و موضع سنای امریکانگست به احکم دادگاههای انقلابی در محکومیت جهان و خانگن به مردم ایران، کوششهای تازه کارگران امریکالیسم امریکا برای دست و پا کردن مکان امنی برای شاه مخلوع، شانه‌آهنسکه، امپریالیسم امریکا نسبت بسسه انقلاب

در صنایع نظامی چه می‌گذرد؟

اخیراً در سازمان صنایع نظامی، هم در میدان شهدا و هم در سلطنت آباد، وقایعی روی می‌دهد که یادآور اعمال ساواک است.

در این سازمان جلساتی تشکیل می‌گردد بنام «بازآگاهی»، هر هفته دو روز در این «بازآگاهی» علیه کمونیست‌ها و بویژه حزب توده ایران سخنرانی میشود. فیلمهای ضد کمونیستی هم به مرمض تماشاگرانرده میشود. در یکی از این جلسات که کنار ازیانیه، به حزب توده ایران به اوج خود رسیده بود، یکی از حاضران که فردی مذهبی

بود، به این تبلیغات و روش دشمنانه اعتراض کرد، که بر اثر این اعتراض دستگیر و به کمیته تحویل داده شد.

این فرد مذهبی پس از چند روز آزاد شد، ولی اعتراض او، که اعتراضی و استیلائی نبود، هم نیروهای راستین انقلابی است، بجای خود باقیست. سزا ندهندگان چنین تبلیغات ارتجاعی و ضد انقلابی هستند و چگونه بخود اجازه می‌دهند که بشوند. در یکی از این جلسات که کنار ازیانیه، به حزب توده ایران به اوج خود رسیده بود، یکی از حاضران که فردی مذهبی

اخبار کارگری و دهقانی

برای دهقانان مشکین‌فام باید دهقانی واقعی و مفید ایجاد کرد شکایت دهقانان مشکین‌فام (از شرکت سهامی ذراعی فرسابق در کردستان) مسئله سر نوشت این شرکتها و وضع دهقانان مهم در بار دیگر طرح میکند. دهقانان مشکین‌فام نیز عضو شرکت سهامی ذراعی س.ر بوده‌اند و در زمان رژیم مطلقیت فساد برای آنها پیش آمده و سندهائی از آنها استفاده میشد. خواستار تعیین تکلیف قطعی خود میباشد. رسیدگی به حقوق مومل و مبالغ کلانی که بالا کشیده شده و جزئیات مربوط بیکهائی مالی و امورداداری و قالیائی و فرجنددر کاری ماشون آلات و غیره از خواسته‌های دیگر این دهقانان است.

شرکتهای سهامی ذراعی که بزود ولیان و روحانی و در اجرای یک سیاست ضددهقانی و تشریفاتی تشکیل شده‌اند، در اغلب موارد مودتانه بد دهقانان نبوده، بلکه وسیله گرفتن زمین و اجاره و قسط از آنها بودند. حالا طبق بلا تکلفی، که ناشی از بی‌برنامه‌گی دولت است، دهقانان آن شرکتهای را ناراضی میکند. این شرکتهای سهامی ذراعی که بکلی با تانومنیهای سالم و مفید دهقانی تفاوت دارند، با آن نحوه تشکیل اجاری تعیینی و اغلب فاسد خود باید منحل شوند.

یکی از دهقانان است. در این شرکت سهامی ذراعی که بزود ولیان و روحانی و در اجرای یک سیاست ضددهقانی و تشریفاتی تشکیل شده‌اند، در اغلب موارد مودتانه بد دهقانان نبوده، بلکه وسیله گرفتن زمین و اجاره و قسط از آنها بودند. حالا طبق بلا تکلفی، که ناشی از بی‌برنامه‌گی دولت است، دهقانان آن شرکتهای را ناراضی میکند. این شرکتهای سهامی ذراعی که بکلی با تانومنیهای سالم و مفید دهقانی تفاوت دارند، با آن نحوه تشکیل اجاری تعیینی و اغلب فاسد خود باید منحل شوند.

یکی از دهقانان است. در این شرکت سهامی ذراعی که بزود ولیان و روحانی و در اجرای یک سیاست ضددهقانی و تشریفاتی تشکیل شده‌اند، در اغلب موارد مودتانه بد دهقانان نبوده، بلکه وسیله گرفتن زمین و اجاره و قسط از آنها بودند. حالا طبق بلا تکلفی، که ناشی از بی‌برنامه‌گی دولت است، دهقانان آن شرکتهای را ناراضی میکند. این شرکتهای سهامی ذراعی که بکلی با تانومنیهای سالم و مفید دهقانی تفاوت دارند، با آن نحوه تشکیل اجاری تعیینی و اغلب فاسد خود باید منحل شوند.

یکی از دهقانان است. در این شرکت سهامی ذراعی که بزود ولیان و روحانی و در اجرای یک سیاست ضددهقانی و تشریفاتی تشکیل شده‌اند، در اغلب موارد مودتانه بد دهقانان نبوده، بلکه وسیله گرفتن زمین و اجاره و قسط از آنها بودند. حالا طبق بلا تکلفی، که ناشی از بی‌برنامه‌گی دولت است، دهقانان آن شرکتهای را ناراضی میکند. این شرکتهای سهامی ذراعی که بکلی با تانومنیهای سالم و مفید دهقانی تفاوت دارند، با آن نحوه تشکیل اجاری تعیینی و اغلب فاسد خود باید منحل شوند.

یکی از دهقانان است. در این شرکت سهامی ذراعی که بزود ولیان و روحانی و در اجرای یک سیاست ضددهقانی و تشریفاتی تشکیل شده‌اند، در اغلب موارد مودتانه بد دهقانان نبوده، بلکه وسیله گرفتن زمین و اجاره و قسط از آنها بودند. حالا طبق بلا تکلفی، که ناشی از بی‌برنامه‌گی دولت است، دهقانان آن شرکتهای را ناراضی میکند. این شرکتهای سهامی ذراعی که بکلی با تانومنیهای سالم و مفید دهقانی تفاوت دارند، با آن نحوه تشکیل اجاری تعیینی و اغلب فاسد خود باید منحل شوند.

یکی از دهقانان است. در این شرکت سهامی ذراعی که بزود ولیان و روحانی و در اجرای یک سیاست ضددهقانی و تشریفاتی تشکیل شده‌اند، در اغلب موارد مودتانه بد دهقانان نبوده، بلکه وسیله گرفتن زمین و اجاره و قسط از آنها بودند. حالا طبق بلا تکلفی، که ناشی از بی‌برنامه‌گی دولت است، دهقانان آن شرکتهای را ناراضی میکند. این شرکتهای سهامی ذراعی که بکلی با تانومنیهای سالم و مفید دهقانی تفاوت دارند، با آن نحوه تشکیل اجاری تعیینی و اغلب فاسد خود باید منحل شوند.

یکی از دهقانان است. در این شرکت سهامی ذراعی که بزود ولیان و روحانی و در اجرای یک سیاست ضددهقانی و تشریفاتی تشکیل شده‌اند، در اغلب موارد مودتانه بد دهقانان نبوده، بلکه وسیله گرفتن زمین و اجاره و قسط از آنها بودند. حالا طبق بلا تکلفی، که ناشی از بی‌برنامه‌گی دولت است، دهقانان آن شرکتهای را ناراضی میکند. این شرکتهای سهامی ذراعی که بکلی با تانومنیهای سالم و مفید دهقانی تفاوت دارند، با آن نحوه تشکیل اجاری تعیینی و اغلب فاسد خود باید منحل شوند.

یکی از دهقانان است. در این شرکت سهامی ذراعی که بزود ولیان و روحانی و در اجرای یک سیاست ضددهقانی و تشریفاتی تشکیل شده‌اند، در اغلب موارد مودتانه بد دهقانان نبوده، بلکه وسیله گرفتن زمین و اجاره و قسط از آنها بودند. حالا طبق بلا تکلفی، که ناشی از بی‌برنامه‌گی دولت است، دهقانان آن شرکتهای را ناراضی میکند. این شرکتهای سهامی ذراعی که بکلی با تانومنیهای سالم و مفید دهقانی تفاوت دارند، با آن نحوه تشکیل اجاری تعیینی و اغلب فاسد خود باید منحل شوند.

یکی از دهقانان است. در این شرکت سهامی ذراعی که بزود ولیان و روحانی و در اجرای یک سیاست ضددهقانی و تشریفاتی تشکیل شده‌اند، در اغلب موارد مودتانه بد دهقانان نبوده، بلکه وسیله گرفتن زمین و اجاره و قسط از آنها بودند. حالا طبق بلا تکلفی، که ناشی از بی‌برنامه‌گی دولت است، دهقانان آن شرکتهای را ناراضی میکند. این شرکتهای سهامی ذراعی که بکلی با تانومنیهای سالم و مفید دهقانی تفاوت دارند، با آن نحوه تشکیل اجاری تعیینی و اغلب فاسد خود باید منحل شوند.

یکی از دهقانان است. در این شرکت سهامی ذراعی که بزود ولیان و روحانی و در اجرای یک سیاست ضددهقانی و تشریفاتی تشکیل شده‌اند، در اغلب موارد مودتانه بد دهقانان نبوده، بلکه وسیله گرفتن زمین و اجاره و قسط از آنها بودند. حالا طبق بلا تکلفی، که ناشی از بی‌برنامه‌گی دولت است، دهقانان آن شرکتهای را ناراضی میکند. این شرکتهای سهامی ذراعی که بکلی با تانومنیهای سالم و مفید دهقانی تفاوت دارند، با آن نحوه تشکیل اجاری تعیینی و اغلب فاسد خود باید منحل شوند.

یکی از دهقانان است. در این شرکت سهامی ذراعی که بزود ولیان و روحانی و در اجرای یک سیاست ضددهقانی و تشریفاتی تشکیل شده‌اند، در اغلب موارد مودتانه بد دهقانان نبوده، بلکه وسیله گرفتن زمین و اجاره و قسط از آنها بودند. حالا طبق بلا تکلفی، که ناشی از بی‌برنامه‌گی دولت است، دهقانان آن شرکتهای را ناراضی میکند. این شرکتهای سهامی ذراعی که بکلی با تانومنیهای سالم و مفید دهقانی تفاوت دارند، با آن نحوه تشکیل اجاری تعیینی و اغلب فاسد خود باید منحل شوند.

یکی از دهقانان است. در این شرکت سهامی ذراعی که بزود ولیان و روحانی و در اجرای یک سیاست ضددهقانی و تشریفاتی تشکیل شده‌اند، در اغلب موارد مودتانه بد دهقانان نبوده، بلکه وسیله گرفتن زمین و اجاره و قسط از آنها بودند. حالا طبق بلا تکلفی، که ناشی از بی‌برنامه‌گی دولت است، دهقانان آن شرکتهای را ناراضی میکند. این شرکتهای سهامی ذراعی که بکلی با تانومنیهای سالم و مفید دهقانی تفاوت دارند، با آن نحوه تشکیل اجاری تعیینی و اغلب فاسد خود باید منحل شوند.

یکی از دهقانان است. در این شرکت سهامی ذراعی که بزود ولیان و روحانی و در اجرای یک سیاست ضددهقانی و تشریفاتی تشکیل شده‌اند، در اغلب موارد مودتانه بد دهقانان نبوده، بلکه وسیله گرفتن زمین و اجاره و قسط از آنها بودند. حالا طبق بلا تکلفی، که ناشی از بی‌برنامه‌گی دولت است، دهقانان آن شرکتهای را ناراضی میکند. این شرکتهای سهامی ذراعی که بکلی با تانومنیهای سالم و مفید دهقانی تفاوت دارند، با آن نحوه تشکیل اجاری تعیینی و اغلب فاسد خود باید منحل شوند.

گفتگویی با چریکهای فدائی خلق ایران درباره مسائل انقلاب ایران

بقیه از شماره پیش

که خطر فاشیسم از کجاست؟ نکند درست در مدل «دموکراسی» نهفته باشد! بنظر ما، مدل اسپانیا اول آن چیزی نیست که مردم مایخاستند و میخوایند. انقلاب ایران شبیه مرگ فرانکو نیست. در این انقلاب تغییر مناسبات اجتماعی - اقتصادی مطرح بود و مطرح است. ثانیاً مدل اسپانیا، در کشور ما، فقط وعده است، زمینه چینی برای بازگرداندن رژیم استبدادی.

دموکراسی بورژوازی به این دلیل در اسپانیا با موفقیت پیاده شد که جنبش ضد فرانکو، خصمیت ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری نداشت. برعکس بخش بزرگی از سرمایه داری انحصاری بین المللی و سرمایه داری بزرگ اسپانیا، با فرانکو زدائی، موافقت داشت. اسپانیای زبان فرانکو، بنوعی یک کشور فاشیستی، که با رژیم هیتلری همکاری نزدیک داشته، با اروپای پس از جنگ به آسانی جوش نمیخورد. مردم اروپای غربی نمیتوانستند گسترش مناسبات با فرانکو را همش کنند. شریک رسمی امپراتریاد فرانکو در ناتو، بازار مشترک ونظایران، دشواریهای فراوان داشت. اما اسپانیای «دموکرات» میتوانست به آسانی به خانواده سرمایه داری بزرگ اروپا بپیوندد و خوبی باشد. واز اینجا بود که سرمایه داری جهانی از گسترش دموکراسی بورژوازی در اسپانیا، ضمن حفظ و تحکیم مناسبات سرمایه داری در آن، حمایت کرد.

جنبش انقلابی ایران قبل از هر چیز ضد امپریالیستی است و این خصمیت با شریکیت انقلاب، خواه و ناخواه تشدید خواهد شد. ایران پس از شاه(بر خلاف اسپانیای پس از فرانکو) باید پیمانهای اسارت بار امپریالیستی رانلو کند، از بلوک نظامی امپریالیستی بیرون رود، از سرمایه جهانی دورتر شود. ایران پس از شاه را نمیتوان از مشکلات دموکراسی بورژوازی اسیر دست امپریالیستها کرد. در صورتی که دولت ایران، حکومت وابسته به امپریالیسم فقط میتواند بصورت حکومت دیکتاتوری بر سر کار بیاید و لایحه بهمین دلیل است که حکومت های پنگونه کشور ما، هر چه وابسته ترند، فاشیستی ترند. ریشه فاشیسم این کشورها در متروپل امپریالیستی است. خطر فاشیسم نیز از همان جا برمیخیزد.

برعکس، رژیم ضد امپریالیستی رژیم که به حمایت توده ها برای مقابله با امپریالیسم نیازمند است، نمیتواند فاشیستی باشد. دموکراسی واقعی در کشوری مثل ایران الزاماً باید خصمیت ضد امپریالیستی و ضد سرمایه های بزرگ داشته باشد. و اگر حکومتی - صرف نظر از شکل آن - چنین خصمیت داشته، نمیتواند فاشیستی باشد.

بنابراین، خط فاصل نیروهای هوادار فاشیسم و دشمن فاشیسم، سرانجام همان خط فاصل نیروهای هوادار امپریالیسم و دشمن امپریالیسم است. محافل وابسته به بورژوازی لیبرال ایران این واقعیت را انکار میکنند. آنها در عین حال که مخالف توفراوان درجانبه ایران را امریکه قرار داده ای اسارت بار امپریالیستی اند و از سرمایه های بزرگ دفاع میکنند، خود را مدافع «دموکراسی» معرفی میکنند و از «آزادی» مد میزنند. اما اگر کم، در همین ادعای آزادی خودی آنان دقت کنیم متوجه خواهیم شد که از همان کتون نظفها استفاده در آن پنهان است. همین مدافین «دموکراسی»، بطور دائم از تقویت ارتش و شهروانی و ژاندارمری سخن میگویند، برای حفظ قانون ساواک و اعلام عفو عمومی جنایتکاران و عاملین رژیم سابق اسرار را میباشند. قوای سابق را لاقول در بره خود را میماند ایران - تا وقتی لغو نشده اند (۱) معتبر میدانند، و میمانند آقای سنجابی، «قانون» تازه ای اختراع میکنند که بموجب آن، حزب توده ایران چون دواشته، است، غیر قانونی است! تردیدی نیست که امثال آقای سنجابی، نه فقط متغای وابستگی - پناهی تجربه شفلی خود - بدرستی میدانند، بلکه علاوه بر آن - بازم پناهی تجربه شفلی خود - میدانند که حزب توده ایران را با اشاره انگشت کوچک نمیتوان غیر قانونی کرد. هر کسی که غیر قانونی دانستن حزب توده ایران را بر سرش راده، در وقتا به پناه آن فکر ایجاد مدتها چنانکار ساواک سابق را میماند بر خود راه داده و قطعاً به پناه نتیجه رسیده است که، برای مبارزه با حزب توده ایران، دستگاه تروی بزرگتر از ساواک لازم است، که تازه آتم عاجز خواهد ماند.

روشی ما در مقابل افسرهای زنان و بهتان گویان، که طی تاریخ ۳۸ ساله حزب ما صدها و صدها جزوه و کتابخانه مختلف توفراوان در جنبه های مختلف و از سرمایه های بزرگ دفاع میکنند، خود را مدافع «دموکراسی» معرفی میکنند و از «آزادی» مد میزنند. اما اگر کم، در همین ادعای آزادی خودی آنان دقت کنیم متوجه خواهیم شد که از همان کتون نظفها استفاده در آن پنهان است. همین مدافین «دموکراسی»، بطور دائم از تقویت ارتش و شهروانی و ژاندارمری سخن میگویند، برای حفظ قانون ساواک و اعلام عفو عمومی جنایتکاران و عاملین رژیم سابق اسرار را میباشند. قوای سابق را لاقول در بره خود را میماند ایران - تا وقتی لغو نشده اند (۱) معتبر میدانند، و میمانند آقای سنجابی، «قانون» تازه ای اختراع میکنند که بموجب آن، حزب توده ایران چون دواشته، است، غیر قانونی است! تردیدی نیست که امثال آقای سنجابی، نه فقط متغای وابستگی - پناهی تجربه شفلی خود - بدرستی میدانند، بلکه علاوه بر آن - بازم پناهی تجربه شفلی خود - میدانند که حزب توده ایران را با اشاره انگشت کوچک نمیتوان غیر قانونی کرد. هر کسی که غیر قانونی دانستن حزب توده ایران را بر سرش راده، در وقتا به پناه آن فکر ایجاد مدتها چنانکار ساواک سابق را میباشند بر خود راه داده و قطعاً به پناه نتیجه رسیده است که، برای مبارزه با حزب توده ایران، دستگاه تروی بزرگتر از ساواک لازم است، که تازه آتم عاجز خواهد ماند.

گروه های مائوئیستی، که در دست بورژوازی لیبرال اند، کویچه ها را پیشهای فاشیسم ابرجبار میکنند، برای توجیه مواضع بورژوازی لیبرال و تشویق اردوی ضد امپریالیستی، «ثوری های» عجیب و غریب «مارکسیستی - لنینیستی» میسازند. پناهی ادعای آنها خطر فاشیسم از جانب خرده بورژوازی ضد امپریالیستی است و نه از جانب امپریالیسم و بورژوازی وابسته به آن. این گروه ها برای «دائیات» این ادعای فاشیست که خطر فاشیسم را میسازند، با خود حزب - امپریالیستی خود - بورژوازی تکیه گاه فاشیسم است. اما با کسی دقت میتوان کرد که این «استدلال» فقط شباهت است. درست است که خرده بورژوازی میتواند تکیه گاه فاشیسم قرار گیرد، اما درست نیست که فاشیسم حکومت خرده بورژوازی ضد امپریالیستی است. برعکس، فاشیسم حکومت تجاوز کارترین جناح انحصارات امپریالیستی است. خرده بورژوازی وقتی تکیه گاه فاشیسم میشود که طبقه کارگر نبرد برای جلب حزب، خرده بورژوازی را ببلزد و این نقش زیر نفوذ بزرگترین انحصارات امپریالیستی قرار گیرد. لذا حزب طبقه کارگر موظف است که سیاست درستی در مقابل این قش پیش گیرد. در کشور ما که دشمن اصلی امپریالیسم است، اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی امکان واقعی است.

گروه های مائوئیستی، که در دست بورژوازی لیبرال اند، کویچه ها را پیشهای فاشیسم ابرجبار میکنند، برای توجیه مواضع بورژوازی لیبرال و تشویق اردوی ضد امپریالیستی، «ثوری های» عجیب و غریب «مارکسیستی - لنینیستی» میسازند. پناهی ادعای آنها خطر فاشیسم از جانب خرده بورژوازی ضد امپریالیستی است و نه از جانب امپریالیسم و بورژوازی وابسته به آن. این گروه ها برای «دائیات» این ادعای فاشیست که خطر فاشیسم را میسازند، با خود حزب - امپریالیستی خود - بورژوازی تکیه گاه فاشیسم است. اما با کسی دقت میتوان کرد که این «استدلال» فقط شباهت است. درست است که خرده بورژوازی میتواند تکیه گاه فاشیسم قرار گیرد، اما درست نیست که فاشیسم حکومت خرده بورژوازی ضد امپریالیستی است. برعکس، فاشیسم حکومت تجاوز کارترین جناح انحصارات امپریالیستی است. خرده بورژوازی وقتی تکیه گاه فاشیسم میشود که طبقه کارگر نبرد برای جلب حزب، خرده بورژوازی را ببلزد و این نقش زیر نفوذ بزرگترین انحصارات امپریالیستی قرار گیرد. لذا حزب طبقه کارگر موظف است که سیاست درستی در مقابل این قش پیش گیرد. در کشور ما که دشمن اصلی امپریالیسم است، اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی امکان واقعی است.

رویدادهای جهان

بر خور در ما به شیوه...

بقیه از صفحه یک

آن حزب شده اند و از اینکه، بنا بر یک اصطلاح اروپائی، «سوار قطار عویش» بودند، به بخت خود همه جهان لعنت بفرستند، در کون و دشمنی نسبت با آن حزب انقلابی کمتر از دست اول نیستند. بهمه این نیروها باید امپریالیسم و عمار در پرده و بی پرده آنرا افزود که «آتی کمونیسم» محور مرکزی سیاست تبلیغاتی آنهاست و هزارها تئوری یاف و شیوه تبلیغاتی جهانی در اختیار دارند.

علاوه بر این دشمنان، حزب دارای مخالفان سیاسی است که از چپ، پارتیست و سایر وی را نمی شناسند و مورد اعتقاد قرار میدهند.

متأسفانه در کشور ما مرسوم است که مبارزه سیاسی، گاه بصورت بهتان زنی و افترا بندی در می آید. کسانی بجای مواجهه منطقی با تکرش عمومی و مشی حکومت دیکتاتوری بر سر کار بیاید و لایحه بهمین دلیل است که حکومت های پنگونه کشور ما، هر چه وابسته ترند، فاشیستی ترند. ریشه فاشیسم این کشورها در متروپل امپریالیستی است. خطر فاشیسم نیز از همان جا برمیخیزد.

برعکس، رژیم ضد امپریالیستی رژیم که به حمایت توده ها برای مقابله با امپریالیسم نیازمند است، نمیتواند فاشیستی باشد. دموکراسی واقعی در کشوری مثل ایران الزاماً باید خصمیت ضد امپریالیستی و ضد سرمایه های بزرگ داشته باشد. و اگر حکومتی - صرف نظر از شکل آن - چنین خصمیت داشته، نمیتواند فاشیستی باشد.

بنابراین، خط فاصل نیروهای هوادار فاشیسم و دشمن فاشیسم، سرانجام همان خط فاصل نیروهای هوادار امپریالیسم و دشمن امپریالیسم است. محافل وابسته به بورژوازی لیبرال ایران این واقعیت را انکار میکنند. آنها در عین حال که مخالف توفراوان درجانبه ایران را امریکه قرار داده ای اسارت بار امپریالیستی اند و از سرمایه های بزرگ دفاع میکنند، خود را مدافع «دموکراسی» معرفی میکنند و از «آزادی» مد میزنند. اما اگر کم، در همین ادعای آزادی خودی آنان دقت کنیم متوجه خواهیم شد که از همان کتون نظفها استفاده در آن پنهان است. همین مدافین «دموکراسی»، بطور دائم از تقویت ارتش و شهروانی و ژاندارمری سخن میگویند، برای حفظ قانون ساواک و اعلام عفو عمومی جنایتکاران و عاملین رژیم سابق اسرار را میباشند. قوای سابق را لاقول در بره خود را میماند ایران - تا وقتی لغو نشده اند (۱) معتبر میدانند، و میمانند آقای سنجابی، «قانون» تازه ای اختراع میکنند که بموجب آن، حزب توده ایران چون دواشته، است، غیر قانونی است!

تردیدی نیست که امثال آقای سنجابی، نه فقط متغای وابستگی - پناهی تجربه شفلی خود - بدرستی میدانند، بلکه علاوه بر آن - بازم پناهی تجربه شفلی خود - میدانند که حزب توده ایران را با اشاره انگشت کوچک نمیتوان غیر قانونی کرد. هر کسی که غیر قانونی دانستن حزب توده ایران را بر سرش راده، در وقتا به پناه آن فکر ایجاد مدتها چنانکار ساواک سابق را میباشند بر خود راه داده و قطعاً به پناه نتیجه رسیده است که، برای مبارزه با حزب توده ایران، دستگاه تروی بزرگتر از ساواک لازم است، که تازه آتم عاجز خواهد ماند.

روشی ما در مقابل افسرهای زنان و بهتان گویان، که طی تاریخ ۳۸ ساله حزب ما صدها و صدها جزوه و کتابخانه مختلف توفراوان در جنبه های مختلف و از سرمایه های بزرگ دفاع میکنند، خود را مدافع «دموکراسی» معرفی میکنند و از «آزادی» مد میزنند. اما اگر کم، در همین ادعای آزادی خودی آنان دقت کنیم متوجه خواهیم شد که از همان کتون نظفها استفاده در آن پنهان است. همین مدافین «دموکراسی»، بطور دائم از تقویت ارتش و شهروانی و ژاندارمری سخن میگویند، برای حفظ قانون ساواک و اعلام عفو عمومی جنایتکاران و عاملین رژیم سابق اسرار را میباشند. قوای سابق را لاقول در بره خود را میماند ایران - تا وقتی لغو نشده اند (۱) معتبر میدانند، و میمانند آقای سنجابی، «قانون» تازه ای اختراع میکنند که بموجب آن، حزب توده ایران چون دواشته، است، غیر قانونی است!

روشی ما در مقابل افسرهای زنان و بهتان گویان، که طی تاریخ ۳۸ ساله حزب ما صدها و صدها جزوه و کتابخانه مختلف توفراوان در جنبه های مختلف و از سرمایه های بزرگ دفاع میکنند، خود را مدافع «دموکراسی» معرفی میکنند و از «آزادی» مد میزنند. اما اگر کم، در همین ادعای آزادی خودی آنان دقت کنیم متوجه خواهیم شد که از همان کتون نظفها استفاده در آن پنهان است. همین مدافین «دموکراسی»، بطور دائم از تقویت ارتش و شهروانی و ژاندارمری سخن میگویند، برای حفظ قانون ساواک و اعلام عفو عمومی جنایتکاران و عاملین رژیم سابق اسرار را میباشند. قوای سابق را لاقول در بره خود را میماند ایران - تا وقتی لغو نشده اند (۱) معتبر میدانند، و میمانند آقای سنجابی، «قانون» تازه ای اختراع میکنند که بموجب آن، حزب توده ایران چون دواشته، است، غیر قانونی است!

روشی ما در مقابل افسرهای زنان و بهتان گویان، که طی تاریخ ۳۸ ساله حزب ما صدها و صدها جزوه و کتابخانه مختلف توفراوان در جنبه های مختلف و از سرمایه های بزرگ دفاع میکنند، خود را مدافع «دموکراسی» معرفی میکنند و از «آزادی» مد میزنند. اما اگر کم، در همین ادعای آزادی خودی آنان دقت کنیم متوجه خواهیم شد که از همان کتون نظفها استفاده در آن پنهان است. همین مدافین «دموکراسی»، بطور دائم از تقویت ارتش و شهروانی و ژاندارمری سخن میگویند، برای حفظ قانون ساواک و اعلام عفو عمومی جنایتکاران و عاملین رژیم سابق اسرار را میباشند. قوای سابق را لاقول در بره خود را میماند ایران - تا وقتی لغو نشده اند (۱) معتبر میدانند، و میمانند آقای سنجابی، «قانون» تازه ای اختراع میکنند که بموجب آن، حزب توده ایران چون دواشته، است، غیر قانونی است!

روشی ما در مقابل افسرهای زنان و بهتان گویان، که طی تاریخ ۳۸ ساله حزب ما صدها و صدها جزوه و کتابخانه مختلف توفراوان در جنبه های مختلف و از سرمایه های بزرگ دفاع میکنند، خود را مدافع «دموکراسی» معرفی میکنند و از «آزادی» مد میزنند. اما اگر کم، در همین ادعای آزادی خودی آنان دقت کنیم متوجه خواهیم شد که از همان کتون نظفها استفاده در آن پنهان است. همین مدافین «دموکراسی»، بطور دائم از تقویت ارتش و شهروانی و ژاندارمری سخن میگویند، برای حفظ قانون ساواک و اعلام عفو عمومی جنایتکاران و عاملین رژیم سابق اسرار را میباشند. قوای سابق را لاقول در بره خود را میماند ایران - تا وقتی لغو نشده اند (۱) معتبر میدانند، و میمانند آقای سنجابی، «قانون» تازه ای اختراع میکنند که بموجب آن، حزب توده ایران چون دواشته، است، غیر قانونی است!

روشی ما در مقابل افسرهای زنان و بهتان گویان، که طی تاریخ ۳۸ ساله حزب ما صدها و صدها جزوه و کتابخانه مختلف توفراوان در جنبه های مختلف و از سرمایه های بزرگ دفاع میکنند، خود را مدافع «دموکراسی» معرفی میکنند و از «آزادی» مد میزنند. اما اگر کم، در همین ادعای آزادی خودی آنان دقت کنیم متوجه خواهیم شد که از همان کتون نظفها استفاده در آن پنهان است. همین مدافین «دموکراسی»، بطور دائم از تقویت ارتش و شهروانی و ژاندارمری سخن میگویند، برای حفظ قانون ساواک و اعلام عفو عمومی جنایتکاران و عاملین رژیم سابق اسرار را میباشند. قوای سابق را لاقول در بره خود را میماند ایران - تا وقتی لغو نشده اند (۱) معتبر میدانند، و میمانند آقای سنجابی، «قانون» تازه ای اختراع میکنند که بموجب آن، حزب توده ایران چون دواشته، است، غیر قانونی است!

روشی ما در مقابل افسرهای زنان و بهتان گویان، که طی تاریخ ۳۸ ساله حزب ما صدها و صدها جزوه و کتابخانه مختلف توفراوان در جنبه های مختلف و از سرمایه های بزرگ دفاع میکنند، خود را مدافع «دموکراسی» معرفی میکنند و از «آزادی» مد میزنند. اما اگر کم، در همین ادعای آزادی خودی آنان دقت کنیم متوجه خواهیم شد که از همان کتون نظفها استفاده در آن پنهان است. همین مدافین «دموکراسی»، بطور دائم از تقویت ارتش و شهروانی و ژاندارمری سخن میگویند، برای حفظ قانون ساواک و اعلام عفو عمومی جنایتکاران و عاملین رژیم سابق اسرار را میباشند. قوای سابق را لاقول در بره خود را میماند ایران - تا وقتی لغو نشده اند (۱) معتبر میدانند، و میمانند آقای سنجابی، «قانون» تازه ای اختراع میکنند که بموجب آن، حزب توده ایران چون دواشته، است، غیر قانونی است!

روشی ما در مقابل افسرهای زنان و بهتان گویان، که طی تاریخ ۳۸ ساله حزب ما صدها و صدها جزوه و کتابخانه مختلف توفراوان در جنبه های مختلف و از سرمایه های بزرگ دفاع میکنند، خود را مدافع «دموکراسی» معرفی میکنند و از «آزادی» مد میزنند. اما اگر کم، در همین ادعای آزادی خودی آنان دقت کنیم متوجه خواهیم شد که از همان کتون نظفها استفاده در آن پنهان است. همین مدافین «دموکراسی»، بطور دائم از تقویت ارتش و شهروانی و ژاندارمری سخن میگویند، برای حفظ قانون ساواک و اعلام عفو عمومی جنایتکاران و عاملین رژیم سابق اسرار را میباشند. قوای سابق را لاقول در بره خود را میماند ایران - تا وقتی لغو نشده اند (۱) معتبر میدانند، و میمانند آقای سنجابی، «قانون» تازه ای اختراع میکنند که بموجب آن، حزب توده ایران چون دواشته، است، غیر قانونی است!

روشی ما در مقابل افسرهای زنان و بهتان گویان، که طی تاریخ ۳۸ ساله حزب ما صدها و صدها جزوه و کتابخانه مختلف توفراوان در جنبه های مختلف و از سرمایه های بزرگ دفاع میکنند، خود را مدافع «دموکراسی» معرفی میکنند و از «آزادی» مد میزنند. اما اگر کم، در همین ادعای آزادی خودی آنان دقت کنیم متوجه خواهیم شد که از همان کتون نظفها استفاده در آن پنهان است. همین مدافین «دموکراسی»، بطور دائم از تقویت ارتش و شهروانی و ژاندارمری سخن میگویند، برای حفظ قانون ساواک و اعلام عفو عمومی جنایتکاران و عاملین رژیم سابق اسرار را میباشند. قوای سابق را لاقول در بره خود را میماند ایران - تا وقتی لغو نشده اند (۱) معتبر میدانند، و میمانند آقای سنجابی، «قانون» تازه ای اختراع میکنند که بموجب آن، حزب توده ایران چون دواشته، است، غیر قانونی است!

روشی ما در مقابل افسرهای زنان و بهتان گویان، که طی تاریخ ۳۸ ساله حزب ما صدها و صدها جزوه و کتابخانه مختلف توفراوان در جنبه های مختلف و از سرمایه های بزرگ دفاع میکنند، خود را مدافع «دموکراسی» معرفی میکنند و از «آزادی» مد میزنند. اما اگر کم، در همین ادعای آزادی خودی آنان دقت کنیم متوجه خواهیم شد که از همان کتون نظفها استفاده در آن پنهان است. همین مدافین «دموکراسی»، بطور دائم از تقویت ارتش و شهروانی و ژاندارمری سخن میگویند، برای حفظ قانون ساواک و اعلام عفو عمومی جنایتکاران و عاملین رژیم سابق اسرار را میباشند. قوای سابق را لاقول در بره خود را میماند ایران - تا وقتی لغو نشده اند (۱) معتبر میدانند، و میمانند آقای سنجابی، «قانون» تازه ای اختراع میکنند که بموجب آن، حزب توده ایران چون دواشته، است، غیر قانونی است!

روشی ما در مقابل افسرهای زنان و بهتان گویان، که طی تاریخ ۳۸ ساله حزب ما صدها و صدها جزوه و کتابخانه مختلف توفراوان در جنبه های مختلف و از سرمایه های بزرگ دفاع میکنند، خود را مدافع «دموکراسی» معرفی میکنند و از «آزادی» مد میزنند. اما اگر کم، در همین ادعای آزادی خودی آنان دقت کنیم متوجه خواهیم شد که از همان کتون نظفها استفاده در آن پنهان است. همین مدافین «دموکراسی»، بطور دائم از تقویت ارتش و شهروانی و ژاندارمری سخن میگویند، برای حفظ قانون ساواک و اعلام عفو عمومی جنایتکاران و عاملین رژیم سابق اسرار را میباشند. قوای سابق را لاقول در بره خود را میماند ایران - تا وقتی لغو نشده اند (۱) معتبر میدانند، و میمانند آقای سنجابی، «قانون» تازه ای اختراع میکنند که بموجب آن، حزب توده ایران چون دواشته، است، غیر قانونی است!

کارآموزان قضائی زن تبعیض شغلی را محکوم میکنند

از روز شنبه ۱۹ خرداد، زنان کارآموز قضائی دوره ۲۱ در کلاس دادگستری دست به تمسح زده اند. اعتراض آنها در باره جلوگیری از شرکت آنان در مراسم تحلیف است. در آن روز مردان کارآموز قضائی، سوگند قضاوت یاد کردند، ولی از شرکت زنان در مراسم جلوگیری شد. یکی از کارآموزان قضائی زن در این باره گفت: «ما کارآموزان قضائی زن و مرد دوره ۲۱ پس از گذراندن دوره کارآموزی که بدون هیچ اشکالی پذیرفته شدیم، در مرحله تحلیف از شرکت ما مانع جلوگیری بعمل آوردند. به آقایان حق قضاوت داده شد، در حالیکه ما را میتوان دادیار پذیرفتند، ما هرگونه تبعیض بر سر همیناست که شدیداً محکوم هستیم». یکی دیگر از کارآموزان اظهار داشت:

مسئله این نیست که تمسح درد ما را درمان میکند. مسئله اینست که ما خوانندار حقوق حقه خود هستیم و این حقوق را چه از طریق تمسح و چه طرق دیگر بدست خواهیم آورد. ما این اقدام وزارت دادگستری را توهین به زنان میدانیم و در برابر آن ساکت نخواهیم ماند.

رققا و دوستان گرامی توجه فرمائید

دفتر «مردم» و سایر اردگانهای تبلیغاتی و انتشاراتی و تشکیل دهنده حزب توده ایران نیاز جدی فوری به دوره روزنامه ها و مجلات و نشریات حزب در زمان غیبت بودن حزب، قبل از سال ۲۷، و همچنین در دوران قبل از کودتای ۲۸ مرداد و در سالهای پس از کودتای ۲۸ مرداد، بسیار دقت رفق دوستانی که یادوه کلید یا شماره های مختلف این روزنامه ها، و مجلات و نشریات را هنوز در اختیار دارند، مایمانند که برای هر رفیق دوستی، این کارهای اردگاه اردوهای مبارزاتی پیشین بسیار گرانهاست و چه بسا که بقیمت های سنگین این نسخ تا کتون حفظ شده است. ولی با وجود تمام علاقه های که هر رفیق به حفظ این جراید در حیطه شخصی خود دارد، باید تصدیق کنید که در حال حاضر اردگانهای مرکزی حزب، ویژه برای مسئولین حزب، در روشنی که در امر هر مورد مشخص ددبش گرفته شد، به برای آقایان برودادهای گوناگون و موشکوریهای شمشیتا و گروههای سیاسی مختلف و همچنین دستهای وابسته های رفقای شهید، باین جراید و نشریات نیاز واقعاً حیاتی و بی چالشند دارند.

اینست که بهمه رفق و دوستان گرامی حزب دروی میآوریم و تقاضا میکنیم که برای کامل کردن و نشریات کردن با یکدیگر حزب، هرچه از این نشریات دارید، در اختیار ما بگذارید. البته اگر مایلید که حتماً نسخه ای را نزد خود نگه دارید، ما با تحمیل هزینه تحسینی که زیسر است، کردن همه این مطالب دارد، ناچاریم لاقول این درخواست را مطرح کنیم که برای مدت کوتاهی، تا فوکهی کردن، صفحات این دوره را پاسخ خودمان داد و در اختیار ما بگذارید.

مردوداریم همه رفقای حزبی و دوستان حزب، با توجه لازم باید درخواست ما پذیرفته شد، بدلیان بیکر اعضای حزب توده ایران در این دوران، موفق به اتمام تسویه حساب نشد. حالاکه این امکان پیش آمده، خود را موظف به پرداخت این بدی به روزنامه «مردم» می بینیم.

از کمکهای رفق دوستان سپاسگزاریم
رققای حوزه های ۸ و ۷ زنجان
گروه صالح خدما از بابلس
۱۳۵۰۰
دانشجویان هوادار حزب در دلی تکیه
۶۰۰۰۰

وفاداری و امانت

رفیقی از مشهد، علاوه بر پرداخت ۳۰۰۰ ریال کمک به حزب، مبلغ ۲۷۵ ریال به مسئولین مربوطه تحویل داد و در توضیح خود در این باره گفت:

مردوداریم همه رفقای حزبی و دوستان حزب، با توجه لازم باید درخواست ما پذیرفته شد، بدلیان بیکر اعضای حزب توده ایران در این دوران، موفق به اتمام تسویه حساب نشد. حالاکه این امکان پیش آمده، خود را موظف به پرداخت این بدی به روزنامه «مردم» می بینیم.

اتفاق نظر آمریکا و انگلیس درباره رژیمهای ژادپرست
به گزارش خبرگزاری فرانسه، لرد کانگینتون وزیر امور خارجه انگلیس اعلام کرد که میان سیاست دو کشور آمریکا و انگلیس درباره رژیمهای ژادپرست وجود ندارد. کانگینتون سپس گفت: «انتخاب رودزیا آزاد و منصفانه بوده است (۱) دولت رودزیا شروط معینی از جانب دولت انگلیس را کاملاً مراعات کرده است».

کاربران انرژی در جهان سرمایه داری بالا می گیرند
وزیر خارجه انگلیس که در مصاحبه ای با خبرنگار بی بی سی سخن می گفت، ضمن اشاره به بحران انرژی، در پاسخ سؤالی درباره احتمال تحویل نفت از طرف انگلیس، اعلام کرد که بریتانیای کبیر «می خواهد هم پیمان خوبی باشد، لکن از این بیم دارد که نتواند آرزوهای هم پیمانان اروپایی خود را برآورده کند. آن مازدان، مشاور سابق فرمانداری نیویورک، در مقاله ای که در آخرین شماره مجله «فانن لایس» (سیاست خارجی) نوشت اعلام کرد: «قیمت های نفت از طرف اوپک برای نفت نمین شده، هنوز نازلتر از آن است که اقداماتی را بمنظور صرفه جویی وسیع انرژی برای تشویق تهیه مواد چاشنی نفت ایجاد کند».

روزنامه برادریان حزب کمونیست اتحاد شوروی، نوشت: «کشورهای سرمایه داری برای انباشتن ذخایر استراتژیکی نفت بمنظور تسامین نفت خام مورد نیاز خود، تقاضای نفت خام را افزایش میدهند. برادریان سپس تاکید ورزیدند که تصمیم امریکا درباره کمک مالی به واردات نفت، که به بروز اختلافاتی میان این کشور از طرفی و ممالک غربی اروپا از طرف دیگر انجامیده است، نمونه بارزی است از این گونه اقدامات».

از گران حزب کمونیست اتحاد شوروی تصریح کرد: «احتکار نفت از طرف شرکتهای نفتی اوضاع را وخیمتر کرده است. این شرکتهای کار حسل و نقل و پخش نفت را به ترک گذاشته اند و در نتیجه نفت را به قیمت های بیشتر از آنچه کشورهای عضو اوپک می فروشند، صادر می کنند».

یاد شهدای توده ای...

پدر رفیق اسکندر روشن، که خود توده ایست و مدت یازده ماه در رابطه با گروه پنجاه و سه نفر در زندان رضا خانی بوده، میگوید:

«اسکندر ما رفت. زندانه همه رفتند. اما آنچه ریشه دارد و زندگی و پیشرفت میکند، حزب توده ایران، راه و سرمشق این شهیدان است».

پدر رفیق اسکندر روشن، که خود توده ایست و مدت یازده ماه در رابطه با گروه پنجاه و سه نفر در زندان رضا خانی بوده، میگوید: «اسکندر ما رفت. زندانه همه رفتند. اما آنچه ریشه دارد و زندگی و پیشرفت میکند، حزب توده ایران، راه و سرمشق این شهیدان است».

پدر رفیق اسکندر روشن، که خود توده ایست و مدت یازده ماه در رابطه با گروه پنجاه و سه نفر در زندان رضا خانی بوده، میگوید: «اسکندر ما رفت. زندانه همه رفتند. اما آنچه ریشه دارد و زندگی و پیشرفت میکند، حزب توده ایران، راه و سرمشق این شهیدان است».

پدر رفیق اسکندر روشن، که خود توده ایست و مدت یازده ماه در رابطه با گروه پنجاه و سه نفر در زندان رضا خانی بوده، میگوید: «اسکندر ما رفت. زندانه همه رفتند. اما آنچه ریشه دارد و زندگی و پیشرفت میکند، حزب توده ایران، راه و سرمشق این شهیدان است».

پدر رفیق اسکندر روشن، که خود توده ایست و مدت یازده ماه در رابطه با گروه پنجاه و سه نفر در زندان رضا خانی بوده، میگوید: «اسکندر ما رفت. زندانه همه رفتند. اما آنچه ریشه دارد و زندگی و پیشرفت میکند، حزب توده ایران، راه و سرمشق این شهیدان است».

پدر رفیق اسکندر روشن، که خود توده ایست و مدت یازده ماه در رابطه با گروه پنجاه و سه نفر در زندان رضا خانی بوده، میگوید: «اسکندر ما رفت. زندانه همه رفتند. اما آنچه ریشه دارد و زندگی و پیشرفت میکند، حزب توده ایران، راه و سرمشق این شهیدان است».

پدر رفیق اسکندر روشن، که خود توده ایست و مدت یازده ماه در رابطه با گروه پنجاه و سه نفر در زندان رضا خانی بوده، میگوید: «اسکندر ما رفت. زندانه همه رفتند. اما آنچه ریشه دارد و زندگی و پیشرفت میکند، حزب توده ایران، راه و سرمشق این شهیدان است».

ترور در عراق

در سراسر جهان بانگ دفاع از جان میهن پرستان و دمکراتها و کمونیستهای عراقی اوج میگردد

در سراسر جهان بانگ دفاع از جان میهن پرستان و دمکراتها و کمونیستهای عراقی اوج میگردد، چرا که روز بروز خبرهای نگران کننده تری از کشور همسایه ما عراق میرسد. بنا بر اخباری که جنبش مبارزه علیه ترور در عراق منتشر کرده، دولت عراق ابتدائی ترین حقوق بشر را زیر پا میگذازد. بهار سال گذشته، که حمله به میهن پرستان عراقی با اعدام ۳۱ کمونیست باوج خود رسید، هزاران نفر از میهن پرستان مرفی، اعم از کرد و عرب، و از میان کمونیستها و مذهبیون مرفی اعدام شده یا زیر شکنجه به عفت زندان میهن پرست تجاوز شده وعده کثیری به سیاهچالها انداخته شدهاند. جنبش مبارزه علیه ترور در عراق فهرست تازه ای از میهن پرستان، دمکراتها و کمونیستهای عراقی را، که اخیرا با زداشت شده اند، منتشر کرده است. در این فهرست ۴۴ مورد ذکر شده که در واقع بیش از شصت ترور در بر میگردد، زیرا در برخی موارد تمام اعضای يك خانواده یا نزدیکان کسی که رژیم عراق باوی خصومت داشته، دستگیر شده اند. در میان اسامی آخرین دستگیر شدگان، که از سر نوشت آنها هیچ اطلاعی در دست نیست، نام دو عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست، چند تن از فعالین این حزب، عده ای از حقوقدانان و نویسندگان و هنرمندان و دانشمندان و دبیران و پزشکان و دانشجویان - که چند نفر از آنها زن هستند - دیده میشود.

علاوه بر اینها خبر رسیده که در اول ژوئن (۱۱ خرداد) دولت عراق به جنایت نازدای علیه آزادیخواهان عراق، که به علت ترور حاکم پر عراق ناگزیر به ترک میهن خود شده اند، دست زده است. دکتر توفیق رشدی، استاد پیشین فلسفه دانشگاه سلیمانیه جمهوری عراق و استاد کنونی دانشگاه عدن در جمهوری دمکراتیک یمن، قربانی این جنایت تازه بود. جنایتکاری که این دانشمند مهاجر را کشتند، پس از ترور به سفارت

توجه

شرح مراسم سالروز شهادت پرویز حکمت جو عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران را که روز ۲۵ خرداد برگزار شد، در شماره آینده مردم، خواهید خواند.

مرگ جانگداز يك توده ای



پرویز قجر. رفیق جوان ما، روز ۱۳ خردادماه در يك سه رجه اتومبیل مجروح شد و بعد از ۷ روزاز میان مارفت. پرویز قجر در ۱۴ شهریور ۱۳۳۴ در يك خانواده کارگری متولد شد. وی از همان دوران کودکی با زوی پدرش بود تا آخرین روزهای زندگی نیز در کسار پدر ایستاد.

عباسعلی، پدر پرویز، يك توده ای وفادار و يك مسلمان مؤمن، سر مشق پرویز شد.

پرویز دوسال پیش راه حزب توده ایران را برگزید و تا آخرین نفس به حزب وفادار ماند. پرویز دوره ابتدائی و دوره اول دبیرستان را در سرستان گذراند و سپس بعنوان کارگر در ایران ناسیونال مشغول بکار شد. وی بسیار با ذوق و با استعداد بود بهمت او گروه هنری کاوه پیا گرفت و توانست در شرایط ترور و اختناق دو نمایشنامه از او را در سرستان بر وی صحنه آورد.

از پرویز دفتر شعری با نام «با نیزه های شکسته برخاک» آماده انتشار بود. هنگام خدمت سربازی، پرویز اعلامیه های حزب را تکثیر و در سر پانز خانه پخش میکرد. پس از پایان خدمت سربازی، پرویز با شور انقلابی، تمام نیروی خود را در خدمت خلق خود، در خدمت حزب گذاشت. پادش گرامی با دا

و این خداوند زمان است که می گذرد!

نوازش میبزم در پرستشگاه طبیعت به خداوند زمان
ایزد زایش و مرگها
ناپیدا، در هر سو حاضر، با نیروئی فسون ساز
نوازش میبزم بدین سوا لث شکر ف
که سرانگشتانش بر تار آشفته پندیده آهنگی مروزی می نوازد،
در کزین خامش ماسه ی نرم،
در نوسان آونگ،
در انفجار ساعت های سر نوشتی،
در رقص ذره های طلائی،
در چرخش گویهای تابنده،
در پویهی ستارگان الماسگون،
در کوشش کف آلود موجها،
در دگرگونی چهره روزگار،
در ضرب نغمه های خوشه انگه،
و این خداوند زمانست که می گذرد،
از زنجیره اندیشه ها، دلهره ها و تلاشها،
از جاده خاموش صنوبرهای لرزان،
از رده نسلها، از میان گورها و خانه ها،
از ستیغ بر فیهی دماوند غنوده در خموشی سپید،
از شهرها، که در آن هزاران بانگ را هزاران گلوله آتشون خون
آلود ساخت،

از لحظات دروخی شکنجه و انتظار فرساییده مادران،
از عشرت هنگ الماس در کاخهای بلور،
از غرور فرعون بر تخت طاووس و غوغای زرافشان چشتهایش،
گذرش است و جهش ویرش و روش و دوش و شتاب بی تاب
بی آنکه واپس نکرد، در غبار افق می گذارد.
چه بسا روزگار ان بی مغز و بی قلب که تهمتن زهاش از هم گسست
فریاد زده اینک دور شما بسر رسیده، از عرصه بیرون روید!
پیر شوید، کهن گردید، زنگار بندید، بیوسید!
فروپاشید، در بر گهای زرد کتاها گم شوید!
در چینه های زمین مدفون گردید!
حتی از استخوانهای شما نیز غباری بر جای نماند.
و گاه با سبب سازی و سبب سوزی سوسطائی
رنگهای ناپوسیده بر آورد،
دست نوازش بر سرهای مطرود کشید
مشت ادب بر غرورهای طلائی کوفت
و در این کوفتن درو رفتن و ساختن و نواختن
مروارید آفرینش را برشته کنید
نگاره های امید را از افق آویخت
و بر نیان سحر آمین تکامل را بافت
دمید زبیا تر، والا تر، شایان تر، بخردانه تر.

.....
هان ای ایزد زمان
کلی آن دم که مادا بدبار خاموشی میفرستی،
عطری دلاوین از روانهای بی تاب ما بر جای گذاری
و شمع ای تلاش ناچوزما
تا گوشه ای از معبد شکوه مدت ترا روشن سازد
احسان طبری - سروده سال ۱۳۳۸

اصطلاح «ابر قدرت ها» و منشاء پیدایش آن

امپریالیسم امریکا، که درست در جنبه مقابل این نیروها قرار گرفته و تمام قدرت خود را در راه تقارکات جنگی، مسابقه تسلیحاتی، تخریب در امر سلج، سرکوب جنبش های رهایی بخش و پشتیبانی از رژیمهای دیکتاتوری و فاشیستی و نژادپرست اعمال میکند، نظریه به اصطلاح «ابر قدرت ها» را اختراع نمود.

این تئوری اختراعی امپریالیسم امریکا، که فاقد هرگونه معیار طبقاتی است، در مورد سیاست اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا بطور یکسان و البته مفرضانه بکار برده میشود. و این مطلب شگفت انگیز است که پاره ای از نیرو- هائیکه خود را حامی منافع طبقه کارگر و زحمتکشان معرفی مینمایند نیز این نظریه را بکار میبرند، در صورتیکه از یابیی طبقاتی سیاست خارجی هر کشور یگانه از یابیی صحیح است.

رهبری مائوئیستی پکن پس از فاصله گرفتن از مواضع سوسیالیستی و مبارزه

ضد امپریالیستی و اتخاذ مواضع سنتیزه- جوئی با کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول با اتحاد شوروی، نظریه «ابر قدرت های» اختراعی امپریالیسم را برپا داشت. در ضمن پیدایش این به اصطلاح نظریه، صادف بود با گسترش جنبش های رهایی بخش ملی و مبارزات ضد امپریالیستی و ضد استعماری در کشورهای آسیا و افریقا و امریکای لاتین. در آن زمان که رهبری مائوئیستی هنوز ماهیت واقعی خود را بر ملا نکرده بود پکن میکوشید با استفاده از نظریه «ابر قدرت ها»، از یکسو سمت و اهداف جنبش های رهایی بخش ملی را علیه استعمار و امپریالیسم منحرف سازد و از سوی دیگر سرکردگی خود را بر این جنبشها تحمیل کند. پس از دوری آشکار رهبری چین از مواضع سوسیالیستی و جانبداری از جنبش های رهایی بخش ملی و ویپوستن آشکار آن به جنبه ارتجاع و امپریالیسم جهانی، اتحاد شوروی دشمن شماره يك اعلام گردید و امپریالیسم امریکا در نظریه

در دوران پیش از استقرار سوسیالیسم، بمنابه يك نظام اجتماعی با تمام ساختار زیربنایی و روبنایی ویژه خود، کشور- هائیکه در زمینه های اقتصادی، و بر پایه آن نظامی، به قدرت تبدیل میشدند، این قدرت را عملا در راه گسترش سیطره اقتصادی و نظامی خود و علیه صلح و استقلال آزادی و تمامیت اراضی کشورها و ملل دیگر بکار میبردند.

سوسیالیسم برای نخستین بار در سراسر تاریخ بشری دولتی را بنیاد نهاد که چنین قدرتی را نه بر علیه خلقها و امنیت، استقلال و آزادی آنها، بلکه در جهت حمایت از آنها و مبارزاتشان بکار می- بندد هنگامیکه نظام سوسیالیستی و دولت سوسیالیستی، در وجود اتحاد شوروی در همه زمینه های اقتصادی و علمی و فرهنگی و نظامی به قدرت جهانی تبدیل گردید و تمام ظرفیت این قدرت در کفه نیروهای ضد جنگ و طرفدار صلح، نیروهای مبارز راه استقلال، آزادی و دمکراسی و سوسیالیسم قرار گرفت،

جعل اعلامیه بنام حزب توده ایران در کرمانشاه

از کرمانشاه و شهرها و روستاهای اطراف آن خبر میرسد که اعلامیه های تحریک آمیزی با امضای حزب توده ایران پخش میشود که در آن مردم را به شور و شوقیان دعوت میکند. دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ضمن تسکدیب این اعلامیه ها، اعلام میدارد که این تحریکات، توطئه عوامل امپریالیسم و ارتجاع است که بمنظور اطه زدن به حیثیت و اعتبار حزب توده ایران و نفاق افکنی بین نیروهای انقلابی انجام میگردد.

دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۳۴۸/۳/۲۳

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فعلا هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می شود.
نشانی،
خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸،
تلفن،
۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

بقیه در صفحه ۳